

تبیین رابطه مهاجرت با پلورالیسم فرهنگی



محمد رضا باهر

مقدمه

مهاجرت در دو ساحت؛ مهاجرت به درون و مهاجرت به بیرون منجر به افزایش تنوع قومی، تنوع فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان می شود.

این تنوع هر چند پیوندی غیر مستقیم اجتماعی و ذهنی میان کشور مبدا و کشور مقصد به وجود می آورد، در سوی دیگر سبب تغییرات در ارزش های فرهنگی و اجتماعی مثل زبان، دین، هویت، نوع لباس پوشیدن و در جامعه میزبان و مهاجران می گردد. تغییر در ارزش های فرهنگی و اجتماعی برای بعضی جوامع میزبان که دیدگاه ناسیونالیستی غالب دارند، قابل تحمل نیست. این مهم سبب می گردد که یک ذهنیت ملی گرایی با رویکرد تاکید بر ارزش های فرهنگی بومی در برابر مهاجران شکل گیرد و مهاجران نیز مبنی بر همین تفکر، برای حفظ ارزش های فرهنگی خویش تلاش می کنند. در این صورت بحث ادغام مهاجران در جوامع میزبان با چالش روبرو است.

نویسنده این مقاله روی همین موضوع متمرکز خواهد شد که اگر مهاجرت سبب تغییر ارزش های فرهنگی و اجتماعی جوامع میزبان و مهاجران می شود، یک رویکرد فکری مناسب برای ادغام موفقانه مهاجران پیشکش نماید.

در اینجا به شکل بسیار گذرا؛ بحث پلورالیسم (کثرت گرایی) را به عنوان یک رویکرد مناسب برای ادغام مهاجران و پذیرش ارزش های جدید فرهنگی مطرح خواهیم کرد. این مهم را به دلیلی در ادغام مهاجران مناسب می دانم که ماهیت کثرت گرایی زاده مهاجرت است و می تواند با ایجاد یک رابطه علت - معلولی میان خود و مهاجرت به ادغام پایدار و موفقانه مهاجران در جامعه جدید بپردازد.

این مقاله که با استفاده از تحقیق کتابخانه ای و تحلیل مشاهدات عینی بحث مهاجرت؛ بخصوص بحران مهاجرت پس از سال ۲۰۱۵، به پایه اكمال می رسد. با این وضع سوال اصلی نوشتار چنان مطرح می شود که: آیا کثرت گرایی می تواند به عنوان یک رویکرد فکری در ادغام مهاجران در کشورهای میزبان شان موثر باشد؟

با طرح این پرسش اصلی که محور نوشته را شکل می دهد، پرسش های فرعی ذیل را برای تکمیل شدن بحث مطرح می سازیم:

۱. کثرت گرایی چیست؟
۲. آیا کثرت گرایی می تواند در برابر ناسیونالیسم جوامع میزبان برای ادغام مهاجران قرار گیرد؟
۳. در جدال میان کثرت گرایی و ناسیونالیسم بهتر است مهاجران کدام رویکرد را انتخاب کنند؟
۴. چرا مهاجرت به تغییر ارزش های فرهنگی و اجتماعی جوامع میزبان و مهاجران می انجامد؟

این نوشتار در صدد است تا پلورالیسم و پلورالیسم فرهنگی را معرفی نموده و رابطه میان این رویکرد فکری و پدیده مهاجرت را به اجمال طوریکه برای نشر در یک مجله مناسب باشد پیگیری می نماید.

چهارچوب فکری :

هرچند پس از فلسفی شدن و تیوریزه شدن پلورالیسم، عمدتاً پلورالیسم معرفتی به مثابه بنیان تئوریک سایر انواع پلورالیسم در آمده است، اما در این مقاله محوریت پلورالیسم فرهنگی را با توجه به اهمیت زمانی و موردی آن در بحث مهاجرت، مدنظر می گیریم و این اصل را که (من خوبم و تو خوبی) به عنوان چهارچوب اصلی بحث پلورالیسم فرهنگی در می آوریم. این جمله در حقیقت بیان می دارد که نظام های فرهنگی نابرابر اند و این گوناگونی نه تنها قابل تحمل نیست که باید قابل تحسین باشد.

انتونی گذنز جامعه شناس معروف بریتانیایی در کتاب جامعه شناسی اش معتقد است که مهاجرت با سه مدل (کلاسیک، استعماری و کارگری) و الگو های جهانی مهاجرت به درون و مهاجرت به بیرون در حقیقت بازتاب از روابط در حال تغییر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین کشورها است.

در صورتیکه این نظریه انتوگذنز را (مهاجر بازتاب از روابط در حال تغییر فرهنگی است) با اصل پذیرفته شده پلورالیسم فرهنگی (من خوبم و تو خوبی) تلفیق کنیم، چهارچوب فکری مقاله طور ذیل شکل می گیرد: (مهاجرت روابط فرهنگی و سیاسی کشورها را طور تغییر می دهد که همه چیز خوب باشد).

کلید واژه ها :

۱. پلورالیسم (کثرت گرایی)، مهاجرت، پلورالیسم فرهنگی، ناسیونالیسم (ملی گرایی)، ادغام

پلورالیسم چیست :

واژه پلورالیسم برگرفته شده از واژه لاتینی (Pluralis) و به مفهوم گرایش به کثرت گرفته شده است. معادل فارسی برای پلورالیسم (کثرت گرایی) است. اکنون پلورالیسم یکی از چشم انداز فلسفی به جهان است که به گوناگونی بیشتر از همانندی، چندگانگی بیشتر از یگانگی و تفاوت بیشتر از تشابه تاکید دارد.

نظر غالب اندیشمندان حوزه علوم انسانی و فلسفه بر این است که پلورالیسم (کثرت گرایی) در یک قرن اخیر طرح و تبیین و رشد کرده است. عبدالرسول بیات در فرهنگ واژه ها نوشته است که این واژه اولین بار در سنت کلیسایی مطرح شده و به مرور زمان از کلیسا به بیرون رفته و در حوزه های اجتماعی و فلسفی به عنوان یک رویکرد مطرح گردیده است. "شخصی را که دارای چند منصب گوناگون در کلیسا بود پلورالیست می نامیدند. پس از آن این واژه که در خود مفهوم پذیرش و اصالت دهی به تعدد و کثرت را دارد به ترتیب در عرصه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، معرفتی و دینی به کار آمد."

اما در واقع گستره تاریخی پلورالیسم بیشتر ازین است، پلورالیسم نه به شکل مدون اما به صورت پراکنده به آوان شکل گیری فکر فلسفی در یونان بر می گردد. برخی متفکرین بدین باور اند که کثرت گرایی به عنوان یکی از اصول هستی شناسی از گذشته های دور یونان کهن تا هنوز با فکر بشر همراه بوده است. این شیوه فکری در اندیشه های چون امپیداکلس، اناکساگوراس، دیموکریتوس

و هراکلیتوس وجود داشته و آنان به گونه ای معتقد بودند که حقیقت از هستی های جداگانه تشکیل یافته و بنیاد جهان بر تکثر است. طیبه توسلی استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم ایران در مقاله ای تحت عنوان (کثرت گرایی فرهنگی و تاثیر آن بر نظام تربیتی) آورده است که کثرت گرایی از دوران یونان کهن به عنوان یکی از بینش های غالب در توضیح و تفسیر بنیان هستی در کنار وحدت گرایی و دوگانه گرایی وجود داشته و این اندیشه اکنون در ساحات دیگر نیز شیوع و گسترش یافته است.

اکنون پلورالیسم به حیث یک مکتب فکری قامت راست کرده و تفکرات فلسفی یک قرن گذشته توجه خاصی بدان نشان داده که این شیوه فکری را می توان در پراگماتیسم آمریکایی و در نظریات فلسفی ویلیام جیمز و ویتکنشتاین به وضوح دید. پلورالیسم اکنون از سطح فکری هستی شناسانه پا بیرون نهاده و در ساحات های مختلف نظریات مشخصی طرح می نماید؛ پلورالیسم بنیادی، پلورالیسم توصیفی، پلورالیسم فرهنگی - اجتماعی، پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم دینی از انواع مهم آن است.

پلورالیسم فرهنگی :

رفتار های فرهنگی هر قوم راهکار ها و راهبردهایی هستند که بسته به شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و نژادی و نحوه ارتزاق و ... آن قوم در حوزه عقل جمعی شکل گرفته است و در هر حال باید به آن احترام گذاشته و تنوع آن را پذیرفت. در واقع پلورالیسم فرهنگی تبیینی از چرایی این نوع تنوع های ادغام ناپذیر است.

پلورالیسم فرهنگی به تکثر فرهنگ در جامعه توجه دارد و اساساً در قرن بیستم در نتیجه مهاجرت های گسترده پس از جنگ جهانی دوم در امریکای شمالی و جوامع اروپایی شکل گرفته است. در واقع آگاهی ملل مختلف از سلوک همدیگر، در پرتو رشد اطلاعات و رسانه ها و پی بردن به نافر و کاستنی بودن آنها به مدل واحد، موجب شد تا این تکثر و گوناگونی بزودی توسط جامعه شناسان و انسان شناسان تنوریزه و به رسمیت شناخته شود.

در پلورالیسم فرهنگی تعدد در آداب اجتماعی یی که فرهنگ را شکل می دهد و تکثر فرهنگ ها در صورتیکه بیانگر یک تمایز با فرهنگ های دیگر باشد، مورد پذیرش و دارای جایگاه رسمی است.

با شکل گیری اندیشه جهانی شدن پسا مدرنیسم، پلورالیسم فرهنگی ارزش ها و اعتقادات فرهنگ های مختلف را طوری به رسمیت می شناسد که این تضاد ارزش ها سبب تنش میان پیروان آن نگردد. مفهوم پلورالیسم فرهنگی در حال حاضر پس از شکل گرفتن مهاجرت های گسترده از آسیا و آفریقا به کشور های اروپایی و امریکای شمالی از جمله آلمان و کانادا اساساً به اختلاف در سبک های زندگی، تنوع قومی، تنوع دینی اشاره دارد.

طرفداران پلورالیسم فرهنگی نظر دارند که دولت ها باید تکثر را به رسمیت بشناسد و برای ایجاد عدالت در بین گروه های اجتماعی تلاش کنند. حمایت صدراعظم آلمان و برخی مقامات اروپایی از مهاجران و ادغام مهاجران در کشورهای شان مبنی بر همین اندیشه صورت می گیرد و مخالفت گروه های راست گرای اروپایی در مقابل مهاجران بر اساس یک ناسیونالیسم اروپایی.

تاثیر مهاجرت بر جامعه :

تصور بکنید اجمل مردی ۳۰ ساله افغان که تمام عمرش را در یکی از روستاهای دور دست افغانستان سپری کرده و حتی کمتر به کابل یا شهرهای بزرگ کشور رفته است. این مرد پول جمع آوری می کند و برای رسیدن به یک زندگی بهتر عزم مهاجرت می کند و پس از مثلاً دو ماه به شهر مونیخ آلمان می رسد. این مرد که ۳۰ سال در یک جامعه مذهبی و مسلمان که حتی روی زنان قریه اش را به درستی ندیده است، پس از دو ماه به یکبارگی وارد جامعه ای می شود که به جای اذان ملای مسجد ناقوس کلیسا به صدا در می آید و زنان با اندک ترین پوشش بر جاده ها قدم می زنند.

اعتقادات دینی، زبان، قومیت، نوع لباس پوشیدن و غذا خوردن از مسایل اولیه است که اجمل را به چالش می کشد. کسی که ۳۰ سال در یک جامعه مذهبی مسلمان زندگی کرده و همواره از خطیبان شنیده باشد که یهود و نصارا کافر اند، چگونه صدای ناقوس کلیسا را تحمل می کند؟ آیا این مرد به دنبال مسجدی در شهر مونیخ سرگردان نیست تا نمازش را ادا کند؟ برای اینکه نیازمندی اولیه را رفع کند آیا به دنبال یک فارسی زبان نخواهد گشت تا برایش خریدار کند؟ در سوی دیگر با مراجعه به هتل ها اولین پرسش این مرد از حلال و حرام غذا خواهد بود و زنانی که با یک پوشش جزئی در اطرافش قدم می زنند در مقایسه با زنان قریه اش چی ذهنیت بر این مرد خلق می کند؟

به همین شکل سیلی از مهاجران را تصور کنید که در سال ۲۰۱۵ و پس از آن از کشورهای مثل افغانستان، سوریه، عراق، و ... به اروپا سرازیر شدند و اکثریت شان با یک ناسیونالیسم مذهبی مسلح باشد.

مهاجرت در یک مقیاس بزرگتر می تواند ساختار و بافت فرهنگی و اجتماعی کشورهای پذیرنده را متغیر سازد، به دلیل اینکه مهاجران به طور معمول بسیار متفاوت از جمعیت بومی کشور میزبان است. این تفاوت ها منجر به تنش های بین گروه های مختلف مردمی می شود. در اینجا به صورت گذرا تاثیر مهاجرت روی شاخصه های اجتماعی و فرهنگی چون قومیت، مذهب و زبان اشاره می نمایم.

بسیاری از کشورهای جهان پس از نسل دوم و سوم به چالش شاخصه های معرفتی در حوزه قومیت و هویت مهاجران روبرو می شود. مثلاً فرزند که از یک زوج افغانی و ترک در آلمان به دنیا آمده باشد، شاخصه معرفتی قومی این شخص چگونه خواهد شد؟ افغان، ترک یا آلمانی؟ سال گذشته ایران اعلام کرده بود؛ به کسانیکه از پدر افغانی و مادر ایرانی به دنیا آمده تابعیت ایرانی داده می شود در صورتیکه در قوانین ایران نسب را از پدر دنبال می کنند، هویت قومی این فرد را در شناسنامه اش چی می نویسند؟ بناً مهاجرت سبب شکل گیری یک هویت تازه قومی می شود و این هویت تازه شکل گرفته بر بنیاد مولفه های جدید معرفتی در سطح اکادمیک و حقوق دنبال می شود.

شکل گیری یک اقلیت قومی در کشور میزبان از تاثیرات دیگر مهاجرت است. مهاجرت گروهی افراد از یک کشور به کشور دیگر و ازدواج های درون گروهی آنان در کشور دوم، در مباحث قومیت، پدیده تازه ای را تحت عنوان اقلیت قومی شکل می دهد. اقلیت قومی در جامعه شناسی متناسب با وضعیت کمی شان کاربرد زیاد دارد و یکی از خصوصیت های اقلیت قومی شکل گرفتن میزان تعصب بلند آنان در برابر اکثریت است.

تصادم و تغییر اعتقادات دینی و مذهبی یکی دیگر از تاثیرات مهاجرت است. در موج اخیر مهاجرت، جوانانی از کشورهای مسلمان نشین آسیایی به کشورهای اروپایی مسیحی سرازیر شدند. پابندی شدید مهاجران به عقاید مذهبی و عدم پذیرش اعتقاد مذهبی دیگران به خصوص در اوایل مهاجرت سبب تنش های جدی میان دو گروه (مهاجران و میزبان) می شود. با توجه به اینکه پایه های اعتقادات و بینش های فکری - مذهبی در سنن جوانی استوار می شود، تغییر جغرافیایی سبب می شود تا بعضی مهاجران به اعتقادات جدید باورمند شوند و برخی دیگر با یکی از پیروان ادیان دیگر اذواج کنند که در هر دو صورت تغییر اعتقادات مذهبی را برای برخی از مهاجران نسل اول و دوم در پی دارد.

به حاشیه سپردن زبان اصلی در نسل های بعدی مهاجرت، تغییرات در اداب فرهنگی از جمله نوع غذا خوردن و لباس پوشیدن از تاثیرات دیگر مهاجرت بر روی مهاجران و جامعه میزبان است.

مهمترین موضوع در تاثیرات مهاجرت بر جامعه میزبان، تصادم تغییرات تنوع است در صورتیکه مهاجران و جامعه میزبان با شاخصه های فرهنگی یکدیگر کنار نیایند سبب تنش و درگیری یا حتی از هم پاشیدن ساختار ملی یک کشور شود.

چی رابطه میان کثرت گرایی و مهاجرت است ؟

کثرت گرایی ذاتا زاده مهاجرت است، تفاوت در اندیشه ها و سلیقه ها که منجر به شکل گیری یک روش فکری می شود در دو مبنی استوار است، یکی بینش فرد نسبت به هستی و جهان و دوم مهاجرت فرد. مهاجرت سبب می شود تا افراد با فرهنگ ها، عقاید، روش فکری، طرز رفتار و روز مره گی های جدید روبرو شود و با گذشت زمان با این موارد که از محیط نو تجربه می کند، کنار آمده، آنرا به عنوان یک اصل دیگر زندگی برای عمل کنندگانش می پذیرد. این پذیرش افکار و کردار متفاوت سبب شکل گیری یک روش فکری در افراد می شود که بدان پلورالیسم می نامند.

با یک نگاه عمیق به کنوانسیون ۱۹۵۱ در امور پناهندگان در می یابیم که کثرت در اندیشه و گروه های اجتماعی مهمترین اصل پذیرش مهاجران در کشورهای میزبان شان است. در این کنوانسیون وضاحت دارد که: افرادی که به علت ترس موجه به علل مربوط به نژاد یا مذهب، یا ملیت، یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی و داشتن عقاید سیاسی مخالف از طرف دولت اش تحت شکنجه قرار گیرد و از کشور اصلی اش بیرون شود در کشور دومی به عنوان پناهنده پذیرفته می شود.

در این تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ که در حال حاضر اکثر کشورهای جهان عضویت آنرا دارد، دایره ای پذیرش مهاجران و به رسمیت شناختن آنان در کشورهای میزبان در حقیقت روی یک بینش پلورالیستی ترسیم شده است. زیرا بودن در یک نژاد و ملیت خاص ایجاب می کند این فرد ارزش های فرهنگی متفاوت از گروه حاکم را دارا باشد که سبب ترس وی می گردد، داشتن عقاید مذهبی متفاوت از گروه حاکم خود بیانگر پلورالیسم دینی است و داشتن عقاید سیاسی مخالف دولت بیانگر پلورالیسم سیاسی.

با این نگاه به کنوانسیون ۱۹۵۱ در می یابیم که کثرت در اندیشه های مذهبی، سیاسی و فرهنگی سبب مهاجرت افراد می شود و بر اساس این کنوانسیون این افراد واجد شرایط برای پذیرش هستند. بنابراین یک رابطه علت - معلولی میان مهاجرت و پلورالیسم وجود دارد، زیرا کثرت سبب مهاجرت می شود و مهاجرت سبب شکل گیری بینش کثرت گرایی.

نتیجه گیری:

با توجه به اینکه رابطه میان مهاجرت و پلورالیسم یک رابطه ناگسستگی و علت - معلولی است، می شود نتیجه گرفت که با همین رویکرد فکری باید به سراغ ادغام مهاجران در جامعه میزبان برویم. پلورالیسم رویکردی است که خود زاده مهاجرت است و در سوی دیگر سبب اصلی مهاجرت افراد می گردد، می تواند در ادغام آنان نیز نقش مهمی داشته باشد. نقش مهم پلورالیسم در ادغام مهاجران این است که با استفاده از این رویکرد فکری جامعه میزبان و مهاجران ارزش های فرهنگی یکدیگر را طوری به رسمیت می شناسند که سبب ایجاد احترام متقابل می شود و همه چیز خوب باشد.

منابع و موخذ

۲. بیات، عبدالرسول. فرهنگ واژه ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱
۳. گیدنز، انتونی. جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷
۴. هانلون، برناردت. جی، توماس. ویسینو. مبانی مهاجرت، ترجمه شیدا نوروزی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی، ۱۳۹۵
۵. توسلی، طیبه. کثرت گرایی فرهنگی و تاثیر آن بر نظام تربیتی، فصلنامه پژوهش های فلسفی کلامی، سال بیستم، شماره ۴، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۷